

آموزش مهارت های ارتباطی به کودکان در بررسی محتوایی برنامه های کودک تلویزیون

ناهید سعادت سیرت^۱، فرید عزیزی^۲

^۱ کارشناسی ارشد تحقیق در علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگر صدا و سیما.

^۲ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

نام نویسنده مسئول:

نام و نام خانوادگی

ناهید سعادت سیرت

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی محتوایی برنامه کودک «قطار شادی» شبکه استانی سیمای همدان صورت گرفت. روش به کار رفته در این پژوهش تحلیل محتوای کمی می باشد. همچنین با توجه به جامعه آماری و هدف تحقیق، نمونه گیری انجام شده احتمالی از نوع تصادفی ساده است. نتایج بدست آمده نشان داد برنامه کودک شبکه استانی با هدف آموزشی و تفریحی و دارای رویکرد آموزش مهارت های زندگی به کودکان است و از میان موضوعات مختلف بیشتر به موضوعات تربیتی و اخلاقی و مهارت های اجتماعی پرداخته است. در این برنامه بیشتر از شیوه غیر مستقیم یعنی از طریق شعر، نمایش، و بازی عروسکی پیام های آموزشی به کودکان آموزش داده می شود حتی در برخی از آیتم های برنامه از خود کودکان حاضر در استودیو برای اجرای نمایش های آموزشی و تربیتی برنامه کمک گرفته می شود تا تعامل بیشتری میان کودکان حاضر در برنامه با عوامل تولید برنامه ایجاد شود چرا که یکی از اهداف آموزش مهارت های زندگی به کودکان مشارکت خود کودکان در ارائه پیام های آموزشی و تربیتی در برنامه می باشد.

واژگان کلیدی: کودک و تلویزیون، مهارت های زندگی، آموزش، یادگیری.

مقدمه

کنار آمدن با مسائل زندگی و کسب مهارت های فردی و اجتماعی، همواره بخشی از واقعیت زندگی انسان بوده که در ادوار متفاوت زندگی او به اشکال گوناگون تجلی یافته است. تغییرات سریع تکنولوژی و ورود به عصر اطلاعات و فر ریختن مرزهای فرهنگی و اجتماعی از عواملی است که زندگی انسان امروزی را با چالش روبه رو کرده است. لذا لازم است آموزش مهارت های زندگی برای مقابله با مشکلات و برخورداری از زندگی بهتر به عنوان یک اصل اساسی به کودکان آموزش داده شود. در دوره کودکی، تعارض ها جلوه چندانی ندارند، اما با افزایش سن و هنگام مواجهه با دشواری های ویژه سنین نوجوانی و جوانی، کشمکش های درونی و محیطی بیشتر تظاهر پیدا می کنند. همزمان با رشد جسمانی و روانی، انتظار جامعه و خانواده نیز از فرد نوجوان و جوان افزایش می یابد به طوری که آنها می پذیرند به سبب زندگی اجتماعی، بخشی از تمایلات خود را محدود کنند و در چارچوب هنجارهای اجتماعی و گروهی قرار گیرند. در این راستا کودکان و نوجوانانی که مهارت های زندگی و شیوه های صحیح رفتاری را فرا نگرفته باشند و مهارت های لازم را در جهت تطبیق خود با خانواده و جامعه نیاموخته باشند، با

آسیب‌های جدی و متعددی روبه‌رو خواهند شد و در صورتی که رفتارهای ضداجتماعی در آنها شکل گرفته و از خود واکنش‌های منفی بروز دهند، آسیب‌های روان‌شناختی در شخص و انحرافات و ناهنجاری‌هایی را در جامعه سبب خواهند شد. متأسفانه افراد یک جامعه همواره در مسیر بهنجار رشد روانی و اجتماعی قرار نمی‌گیرند و به دلایل گوناگون، تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان، توان دریافت محرک‌های بیرونی و ایجاد توازن بین محرک‌ها و انگیزه‌های درونی خود را ندارند و بدین ترتیب رشد موزون و همه‌جانبه که هدف اصلی تعالی انسان به طور کامل و نسبی است، تحقق نمی‌یابد. در این میان هر چه جامعه پیچیده‌تر و ارتباطات بین فردی و اجتماعی وسیع‌تر گردد، تعارض‌های درونی و محیطی بیشتر شده که به سرگشتگی و آشفتگی در جوانی و بزرگسالی می‌انجامد. آموزش مهارت‌های زندگی با اهداف تعمیق باورها و رفتارهای اجتماعی، تقویت مهارت‌های اجتماعی زندگی و جامعه‌پذیر کردن نوجوانان و جوانان (مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌جویی، سازگاری و غیره...) تقویت مهارت‌های زندگی فردی (تصمیم‌گیری، خلاقیت و تصمیم‌گیری، پژوهشگری و...) تقویت روحیه علاقمندشدن به جلوه‌های هستی، طبیعت و محیط‌زیست توأم با گسترش شادابی و نشاط در زندگی افراد، امروزه مورد تأکید صاحب نظران تعلیم و تربیت کودکان است. روانشناسان ضمن تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی به افراد در دوره کودکی، این مهارت‌ها را در عمل و براساس برنامه‌ریزی‌های پژوهشی مدنظر قرار داده و برای اثبات آن به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از اختلالات و آسیب‌ها، در ناتوانی برخی نوجوانان و جوانان در تحلیل خود و موقعیت خود ریشه دارد. حال که نمی‌توان مانع تغییرات و پیچیدگی‌های جامعه مدرن و گسترش روابط اجتماعی و بین‌فردی شد، راهی جز آماده کردن نسل جوان برای روبه‌رو شدن با موقعیت‌های دشوار زندگی در عصر مدرن باقی نمی‌ماند. با این استدلال آموزش مهارت‌های زندگی توسط رسانه در سنین کودکی موجب خواهد شد که کودکان در خلال برنامه‌های تفریحی و سرگرمی و به صورت نمایش به طور خودکار مهارت‌های زندگی را در سنین کودکی بیاموزند تا این مهارت‌ها در وجود آنها نهادینه شود. زیرا یادگیری مهارت‌های زندگی در کودکی از شیوع بسیاری از بیماری‌های روانی و کجروی‌های اخلاقی و اجتماعی در بزرگسالی پیشگیری می‌نماید.

طبق نظر ویب (۱۹۶۲)؛ به نقل از بختیاری، (۱۳۸۵، ص ۲)، رسانه‌ها دو مشخصه اساسی دارند: اول آنکه محصول آنها، به مفهومی فیزیکی، به راحتی در دسترس جامعه قرار می‌گیرد، جامعه‌ای که شمار زیادی از مردم را در همه زیرگروه‌های عمده دربردارد و دوم آنکه هزینه رسانه‌ها به قدری کم است که عموماً دسترسی بدانها را برای افراد و احاد مردم امکان‌پذیر می‌کند. چگونگی رفتار فرد در دوران کودکی و در خانواده، یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری شخصیت محسوب می‌شود. تلویزیون نیز به عنوان یکی از وسایل ارتباط جمعی کنار خانواده در رشد فکری و شخصیتی کودکان تأثیرگذار است. این رسانه همه‌گیر می‌تواند با توجه به محتوایش اثرات مطلوب و نامطلوبی بر مخاطبان (به ویژه کودکان) بگذارد. تلویزیون علاوه بر پر کردن اوقات فراغت و سرگرمی می‌تواند بر رفتار و رشد فکری کودکان تأثیر بگذارد و به نوعی علاقه و گیرایی را در قالب برنامه‌ها در کودکان ایجاد کند. تشریح چگونگی تعامل محتوا و مخاطب در جهت آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان هدف اصلی این پژوهش است. از آنجا که مخاطب ما در این پژوهش کودکان می‌باشد و تعامل رسانه و کودک از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آنجا که کودکان به میزان زیادی در معرض تلویزیون قرار می‌گیرند لذا بسیاری از مهارت‌های زندگی مانند چگونگی ابراز هیجانات، نحوه تعامل با کودکان همسن و بزرگسالان، شیوه‌های تربیتی، آموزش‌های لازم برای رویارویی با مسائل مختلف زندگی را از رسانه‌ها مخصوصاً تلویزیون یاد می‌گیرند. این نکته توجه رسانه‌ها در نحوه بیان شیوه‌های آموزشی و چگونگی برنامه‌سازی برای کودکان را بیش از پیش متذکر می‌سازد.

در این پژوهش سعی داریم با استفاده از روش تحلیل محتوا، به نقش تلویزیون نسبت به آموزش مهارت‌های زندگی در قالب متغیرهایی چون خودآگاهی، همدلی، ارتباط موثر، روابط بین‌فردی موثر، کنترل خشم، مقابله با هیجان‌های منفی، آموزش حل مساله، تصمیم‌گیری، تفکر خلاق، تفکر انتقادی و مدیریت زمان و غیره در برنامه کودک «قطار شادی» بپردازیم. و اینکه برنامه کودک «قطار شادی» تا چه حد توانسته است در کنار اهداف تفریحی و سرگرمی، مهارت‌های زندگی را به طور غیرمستقیم به کودکان آموزش دهد.

ادبیات نظری

آموزش مهارت زندگی به کودکان

از آنجا که شکل‌پذیری و یادگیری در سال‌های اولیه رشد کودک بیشترین سرعت را دارد، هر چه زودتر امکانات آموزشی را در اختیار آنها قرار دهیم بهتر است، زیرا ظرفیت یادگیری طفل تنها تا حدودی بستگی به عوامل بیولوژیکی دارد و در مقیاس وسیعی بستگی به امکاناتی دارد که محیط و اجتماع در اختیارش می‌گذارند، هر چه محیط متنوع تر باشد، یادگیری بیشتر می‌شود و یادگیری بیشتر رشد ذهنی را

سریع تر می‌کند» (Bruner, 1971). امروزه علی‌رغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل زندگی فاقد توانایی‌های لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مسائل و مشکلات روزمره و مقتضیات آن آسیب‌پذیر نموده است. انسان‌ها برای مقابله سازگارانه با استرس‌های موقعیت‌های مختلف و کشمکش‌های زندگی به کارکردهایی نیاز دارند که آنان را در کسب این توانایی‌ها تجهیز نماید لذا ضروری است فرصت‌هایی فراهم گردد تا کودکان و نوجوانان علاوه بر کسب توانایی‌های خواندن و نوشتن، حساب کردن و ... مهارت‌های زندگی را نیز فرا گیرند. مهارت‌های زندگی، مهارت‌های شخصی و اجتماعی هستند که کودکان و نوجوانان باید آنها را یاد بگیرند تا بتوانند در مورد خود، انسان‌های دیگر و کل اجتماع به‌طور موثر و شایسته عمل نمایند. از این منظر، باید به دانش‌آموزان آموزش داده شود که با ساختارهای عمومی چگونه برخورد کنند؛ با کمک مجموعه مستحکمی از دانش نظری و الگوهای مناسب می‌توان فرآیند تکامل را تا حد زیادی تسریع نمود. آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان، همواره یکی از وظایف و برنامه‌های نظام آموزش و پرورش بوده است چون این آموزش موجب رشد و اعتلای توانایی‌هایی می‌گردد که زمینه سازگاری و رفتارهای مثبت شده و ایجاد ارتباط سالم و صحیح را در بین کودکان و نوجوانان و با اطرافیان موجب می‌گردد و از این رهگذر آنان را قادر به شکوفایی توانایی‌های بالقوه‌شان می‌سازد. انسان دنیای امروز به لحاظ پیچیدگی زندگی، وسعت و سرعت تغییرات با چالش‌های فراوانی روبروست که این چالش‌ها در قرن آینده بارزتر خواهد شد (دلور، ۱۳۷۵).

از چالش‌ها و بحران‌های مطرح می‌توان به مواردی همچون چالش بین جهانی شدن و بومی ماندن، بحران جمعیت، بحران سلامتی و تغذیه و دگرگونی‌های فناوری و شرایط حرفه‌ای، اثرات فناوری نوین ارتباطی بر مهارت‌های اجتماعی و اخلاقیات، مشکلات خانوادگی، اشتغال والدین در بیرون از منزل و ... اشاره کرد (ادیب، ۱۳۸۲). آموزش مهارت‌های زندگی فرد را برای غلبه بر چنین تنش‌ها و مشکلات زندگی که پیش روی فرد و جامعه است آماده می‌کند (ادیب، ۱۳۸۲، ص ۴۱).

از نظر بوتوین (۱۹۹۷؛ به نقل از آقاجانی، ۱۳۸۱) آموزش مهارت‌های زندگی شامل سه قسمت می‌باشد: آموزش مهارت‌های شخصی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و آموزش مربوط به عدم مصرف الکل و موادمخدر. به نظر «هامبورگ و گازدا»، آموزش مهارت‌های اجتماعی زیرمجموعه‌ای از آموزش مهارت‌های زندگی می‌باشد، درواقع آموزش مهارت‌های زندگی آموزش رسمی و شکل یافته مهارت‌های لازم برای بقای زندگی با دیگران و موفقیت در جامعه پیچیده می‌باشد. از نظر «بالدو و فرانسیس»، مهارت‌های زندگی، کودکان و نوجوانان را قادر می‌سازد که دانش (آنچه را که می‌دانند) و نگرش و ارزش‌های خود (آنچه احساس می‌کنند و بدان باور دارند) را به عمل تبدیل نمایند.

منظور از مهارت‌های زندگی این است که هر کودک در کنار آموزش خواندن و نوشتن، به مهارت‌هایی دست یابد که به مدد آنها بتواند ابتدا به شناخت درستی از خود دست پیدا کند و سپس به خوبی با افراد و محیط اطراف ارتباط برقرار سازد و به حل مشکلات خود، جامعه و محیط‌زیست یاری رساند. مهارت‌های زندگی طبق تعریف (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۷۷) مهارت‌هایی هستند که برای افزایش توانایی‌های روانی- اجتماعی افراد آموزش داده می‌شود و فرد را قادر می‌سازد که به‌طور موثر با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی روبرو شود.

براین اساس مهارت‌های زندگی عبارتند از توانایی‌هایی که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می‌آورند. این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازد مسئولیت‌های اجتماعی خود را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواسته‌ها و انتظارات و مشکلات روزانه بویژه در روابط بین فردی به شکل موثری روبرو شود (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

تلویزیون از جمله رسانه‌هایی است که با تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب می‌تواند به ایجاد رفتارهای بهنجار و منطبق با اعتقادات اجتماعی در کودکان کمک نموده و فرآیند جامعه‌پذیری را در آنها تسهیل نماید (راستگو، ۱۳۸۹).

هدف اصلی آموزش مهارت‌های زندگی این است که کودکان توانایی لازم جهت ایجاد روابط اجتماعی با گروه‌های مختلف را به‌دست آورند و بتوانند در ارتباط درست با دیگران و گروه‌های همسال نیازهای خود را برطرف سازند و به‌عنوان یک شهروند بتوانند نقش خود را در سرنوشت جامعه ایفا کنند. در کنار رسانه‌ها، آموزش و پرورش نقش مهمی در آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان دارد. برنامه درسی و محتوای آن بهترین ابزار جهت آشنایی دانش‌آموزان با مهارت‌های زندگی می‌باشد (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۸۷).

آموزش در تلویزیون

امروزه، کودکان ما در سپهر بیکران اطلاعات و ارتباطات و در معرض پیام‌های بیشمار رسانه‌ای قرار دارند که هوشیاری نسبت به این میهمانان خواننده و ناخوانده وظیفه‌ای انکارناپذیر است (باهر، ۱۳۸۷). در همین راستا تربیت اولیه کودک هم کارکردی مشابه در مورد انسان دارد؛ بنابراین انتقال ارزش‌های اخلاقی به کودکان همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری والدین است تا از این رهگذر، از مراحل اولیه زندگی، کودکان به نحو درستی تربیت شوند. این خواسته تنها، خواسته شخصی افراد نیست بلکه جوامع بشری نیز همواره این دغدغه را داشته‌اند که چگونه باید ارزش‌های خود را به نسل‌های جدید منتقل کنند. یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که جوامع برای این کار به خدمت گرفته‌اند، آیین بوده است. آیین یکی از راه‌های انتقال ارزش‌ها به نسل‌های بعدی و درونی‌سازی آنهاست؛ آیین گذرگاهی است که در آن بنیانی‌ترین ارزش‌ها و عقاید انسانی ساخته می‌شود و معنای زندگی از آن سر بر می‌آورد (رودنیولر، ۱۳۸۷).

آیین‌ها از ویژگی‌های بارز هر فرهنگ به حساب می‌آید اما این بدان معنا نیست که آیین‌ها همواره ثابت می‌مانند، بلکه همراه با تغییرات فرهنگی دچار دگرگونی می‌شوند. به این ترتیب، آیین‌ها صورت‌های مختلفی می‌یابند و از ابزارهای مختلفی در اجرای آن‌ها استفاده می‌شود. در روزگار معاصر یکی از مهمترین رسانه‌هایی که نقش آیینی قابل توجهی پیدا کرده است، تلویزیون است. چنانچه جوزف گاسفیلد و جرسی میشلویچ با مبحث سمبولیسم دینی مقاله اورین کلاب را به عنوان معروفترین اثر در مورد جنبه‌های آیینی رسانه معرفی می‌کنند (۲۰۰۶، Guivian).

به دیگر سخن، امروزه رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون، منبعی برای ساخت معنای زندگی و انتقال نمادین آن شده‌اند. از سویی دیگر باید توجه داشت که ارتباط کودکان با رسانه‌ها و به ویژه با تلویزیون که باید آن را آیینی امروزی دانست، از سنین پایین آغاز می‌شود. این موضوع مورد توجه بسیاری از محققان بوده است «اولین تجربه مستقیم کودک با تلویزیون، عموماً از ۲ سالگی شروع می‌شود (بی پارکر، لایل و شرام، ۱۳۷۷: ۴۰).

در همین راستا نظرسنجی‌هایی که توسط مرکز مطالعات و تحقیقات صداوسیما در سال ۱۳۸۵ انجام شده‌اند، نشان می‌دهند کودکان ۳ تا ۹ ساله ایرانی به طور متوسط ۴ ساعت و ۲۶ دقیقه در روز به تماشای تلویزیون مشغول هستند (خضریان، ۱۳۸۵، ص ۲؛ به نقل از محمدزاده وحدتی). و کودکان ۷ تا ۱۲ ساله حدود ۵ ساعت و ۱۲ دقیقه در روز تلویزیون تماشا می‌کنند (خضریان، ۱۳۸۵، ص ۲؛ به نقل از محمدزاده وحدتی).

به طور کلی، تلویزیون در کنار خانواده، مدرسه و سایر وسایل ارتباط جمعی نقش مهمی در اجتماعی شدن کودکان دارد، چون تلویزیون رسانه‌ای است که از جهات مختلف، از جمله انتقال سریع پیام، توان به کارگیری حس بینایی و شنوایی، سهولت دسترسی و همچنین جذابیت‌های تصویری برای کودکان، از تاثیر و قدرت جاذبه‌ای عمیقی برخوردار است. کودکان، مردان و زنان آینده کشورمان هستند و آینده این مرز و بوم در گرو پرورش استعدادها و توانایی‌های آن‌هاست.

از آغاز آمدن تلویزیون در ایران، برای کودکان برنامه ساخته می‌شده است و این امر همچنان ادامه دارد. اکثر برنامه‌های کودک تلویزیون در ایران در یک دهه اخیر، برنامه‌های زنده و مجری محور است که به صورت روزانه و یا هفتگی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شوند و با کارکردهایی همچون سرگرمی، پر کردن اوقات فراغت و آموزش همراه هستند (اسماعیلی، ۱۳۹۰).

بنابراین با توجه به میزان تماشای تلویزیون توسط کودکان لازم است به تلویزیون و نقش آن در تربیت فردی و اجتماعی کودکان به خصوص به معنابخشی این آیین گونه امروزی به زندگی نسل‌های بعدی با دقت بیشتری توجه کنیم.

بنابراین تلویزیون می‌تواند وسیله‌ی کار و تحقیق در زمینه‌ی مسائل اجتماعی و انسانی باشد (کازنو، ۱۳۸۴: ۱۰۳) یا می‌تواند نقش یک معلم را ایفا کند (ارنبرگ و باروایز ۱۳۷۸: ۲۸).

از نظر ملون ماتینز (۱۳۵۴) نیز تلویزیون «بسیاری چیزها» می‌آموزد و انسان را تغییر می‌دهد (ملون ماتینز، ۱۳۵۴: ۱۲۶).

در رابطه‌ی روند آموزش و تلویزیون محرز است که تصاویر تلویزیون به دلیل آنکه نیاز روز افروز تشریک مساعی به طور عمیق را در مخاطبان بر می‌انگیزد، از ارزش والایی برخوردار است. به طوری که ممکن است به زودی هر کلاس درس مجهز به یک دستگاه تلویزیون شود. در حال حاضر، تقریباً تلویزیون توانسته است زندگی احساسی و ذهنی ما را دگرگون کند، به طوری که حتی سلیقه‌های بشر به دنبال آن با تغییرات

زیادی روبه‌رو شده‌اند. تلویزیون باعث شده است تا مردم، دیگر فقط در صدد دانستن برنیایند و به آن اکتفا نکنند، بلکه بیشتر دانستن و در هر زمینه آگاهی داشتن را نیز به خواسته‌های خود بیفزایند؛ و در نهایت می‌توان گفت که تلویزیون بهتر از هر رسانه‌ی دیگری می‌تواند، عملکردها و تقابل‌های روندهای مختلف و گسترش شکل‌ها و حالت‌ها را نمایش دهد (مک‌لوهان ۱۳۷۷: ۳۹۲).

آموزش از طریق تلویزیون قدرت فراگیری کودکان در شناخت سمبول‌ها، خواندن، حساب کردن، نوشتن و ارتباط برقرار کردن با دیگران و هم چنین حل مشکلاتشان از طریق به کار بردن این یادگیری‌ها را افزایش می‌دهد. همین طور تلویزیون می‌تواند به کودکان، جهان را بشناساند و مرزها را از بین ببرد. بسیار دیده شده که کودکان قبل از اینکه بتوانند اسم خود را هجی کنند اسم آشنایان تلویزیونی خودشان مثل میکی موس^۱، بتمن^۲ و نظایر آن را هجی می‌کنند از این نتیجه می‌گیریم که کودکان تا این حد از تلویزیون یاد می‌گیرند، حتی از برنامه‌هایی که به منظور آموزش آنها تهیه نشده است (Lesser, 1974).

نظریه ساخت اجتماعی «آلبرت بندورا»

نظریه ساخت اجتماعی «آلبرت بندورا» معروف به یادگیری مشاهده ای است. به عقیده «بندورا»، یادگیرنده باید علاوه‌بر توجه و علاقه، توانایی تقلید و الگوبرداری را دارا باشد. یادگیری اجتماعی، بنا بر مشاهده و تقلید، به طور ناخودآگاه در بسیاری از افراد به صورت مثبت و منفی انجام می‌گیرد و پیامدهای ثمربخش، یا زیان‌بار خود را به دنبال خواهد داشت (پارسا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷). «بندورا» اهمیت تقویت مستقیم را به عنوان روشی برای تأثیر گذاشتن بر رفتار انکار نمی‌کند، ولی او این عقیده را که رفتار فقط می‌تواند از طریق تقویت مستقیم آموخته شود یا تغییر یابد، به چالش می‌طلبد. او معتقد است شرطی‌سازی کنشگر که به موجب آن رفتار کوشش و خطا ادامه می‌یابد تا اینکه فرد تصادفاً پاسخ درست را می‌دهد، روش نامناسب و بالقوه خطرناکی برای یادگیری مهارت‌هایی مانند شنا کردن یا رانندگی است. امکان دارد فرد قبل از یافتن زنجیره رفتارهای درستی که تقویت مثبت را به همراه دارند، غرق شده یا تصادف کند. از نظر بندورا، اغلب رفتارهای انسان از طریق الگو، به صورت عمدی یا تصادفی آموخته می‌شوند. ما با مشاهده کردن دیگران و تقلید کردن از رفتار آن‌ها یاد می‌گیریم (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۴۵۲).

بندورا به رغم پذیرفتن نقش شرطی‌شدن و تقویت در تبیین رفتار آدمی، با نقش سنتی محرک-پاسخ، به عنوان تنها شیوه مطالعه رفتار، مخالفت می‌کند. از نظر «بندورا»، بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان با مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد. در اولین تحقیق بندورا و والترز (۱۹۵۲) در زمینه علل خانوادگی پرخاشگری، بر اهمیت یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران تأکید شده است. از آن به بعد، بندورا یادگیری مشاهده‌ای را مهم‌ترین عامل رشد و یادگیری به حساب آورد (کدیور، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸).

بندورا از همان ابتدا با ترکیب جنبه‌های شناختی و اجتماعی رفتار، به تقسیم‌بندی سنتی دیدگاه رفتارگرایی در مقابل دیدگاه‌های دیگر خاتمه می‌دهد و به اهمیت نسبی عوامل بیرونی و درونی در رفتار تأکید می‌کند. او در جریان پرورش نظریه شناختی-اجتماعی خود، دیدگاه یک‌بعدی تأثیرگذاری محیط بر انسان، یعنی عمده‌ترین فرضیه رفتارگرایی را رد کرده، به طرح موجبیّت دوجانبه (Reciprocal Determinism) یا "فرایندی به هم پیوسته" که دربر گیرنده کلیه عوامل فردی و اجتماعی در فرایند یادگیری است می‌پردازد (همان، ص ۱۲۹).

به نظر بندورا، عواطف، تفکر و رفتار فرد در هر موقعیت به احساس توانایی او وابسته است. در موقعیت‌هایی که فرد نسبت به توانایی‌های خود اطمینان حاصل می‌کند، رفتار و شناخت او کاملاً متفاوت از موقعیت‌هایی است که فرد در آن احساس عدم توانایی، امنیت یا فقدان صلاحیت می‌کند (همان، ص ۱۳۰).

بندورا یادگیری مشاهده‌ای را شامل چهار فرایند اصلی می‌داند:

۱. توجه؛ اولین فرایند لازم برای وقوع یادگیری مشاهده‌ای توجه است. برای بازتولید اعمال الگو باید به حرف‌ها و اعمال وی توجه کنید.

1 mickey mouse

2 Batman

۲. **یادآوری؛** یادآوری دومین فرایند ضروری برای وقوع یادگیری مشاهده‌ای است.

۳. **بازتولید حرکتی؛** تولید به تقلید کردن اعمال الگو اطلاق می‌شود. تقلید، تلویحاً به معنی محدود پاسخ طوطی‌وار است و نقطه مقابل آن همانندسازی است که به معنی یکی‌سازی همه الگوهای رفتاری با سرمشق است. الگوگیری، وسیع‌تر از تقلید و محدودتر از همانندسازی است.

۴. **تقویت؛** یا مشوق آخرین مولفه یادگیری مشاهده‌ای است. بندورا در مطالعاتش، اهمیت این مرحله را نشان داده است. کودکی که شاهد تنبیه شدن الگو بابت پرخاشگریش بوده، فقط در ازای تشویق شدن الگو پرخاشگری الگو را بازتولید می‌کند (آقایوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۴-۲۴۰).

بندورا و همکاران وی معتقدند سه عامل زیر می‌تواند بر سرمشق‌گیری تأثیر بگذارد:

(۱) **ویژگی‌های الگوها؛** ویژگی‌های الگوها بر گرایش ما به تقلید کردن از آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این ویژگی‌های اثرگذار عبارت‌اند از:

شباهت الگو و مشاهده‌گر؛ در زندگی عملی، بیشتر تحت تأثیر کسی قرار می‌گیریم که به نظر می‌رسد شبیه ماست تا کسی که با ما تفاوت زیادی دارد. بندورا دریافت که گرچه کودکان از رفتار کودک الگویی - کودک در همان اتاق، یا در فیلم و یا شخصیت کارتونی - تقلید کردند، ولی هنگامی که شباهت بین الگو و آزمودنی کاهش یافت، میزان سرمشق‌گیری نیز کاهش یافت. این کودکان از الگوی زنده بیشتر از شخصیت بی‌جان تقلید کردند.

سن و جنسیت؛ ما از رفتار کسی که هم‌جنس ماست بیشتر از کسی که از جنس مخالف است سرمشق می‌گیریم. در ضمن، به احتمال بیشتری تحت تأثیر الگوهای هم‌سن قرار می‌گیریم.

مقام و شهرت؛ معلوم شده است که وقتی عابران پیاده ببینند که فرد خوش‌لباسی هنگام روشن بودن چراغ قرمز از خیابان رد می‌شود در مقایسه با زمانی که ببینند فرد بدلباسی این کار را انجام می‌دهد، به احتمال بیشتری آن‌ها نیز با روشن بودن چراغ قرمز از خیابان رد می‌شوند.

(۲) **ویژگی‌های مشاهده‌گرها؛** ویژگی‌های مشاهده‌گرها نیز اثربخشی یادگیری مشاهده‌ای را تعیین می‌کنند. افرادی که اعتماد به نفس پایینی دارند از افرادی که اعتماد بالایی دارند به احتمال خیلی بیشتر از رفتار الگو تقلید می‌کنند.

(۳) **پیامدهای پاداش مرتبط با رفتارها؛** پیامدهای پاداش مرتبط با رفتاری خاص می‌توانند بر میزان سرمشق‌گیری تأثیر بگذارند و حتی تأثیر ویژگی‌های الگوها و مشاهده‌گرها را تحت‌الشعاع قرار دهند (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۴۵۶-۴۵۴).

روش تحقیق

در این پژوهش برای بررسی نحوه آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان در برنامه تلویزیونی «قطار شادی» از روش تحلیل محتوا بهره گرفته می‌شود. واحد تحلیل و واحد ثبت این پژوهش یکسان و شامل هر یک از آیتم‌های برنامه می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسش‌نامه معکوس تحلیل محتوا بوده است. جامعه آماری این پژوهش، کل ۶۵ قسمت برنامه کودک «قطار شادی» است و همه قسمت‌های برنامه کودک «قطار شادی» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش، برنامه‌های کودک از نظر شیوه آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان به صورت ۱۴ مقوله یا صفت مورد بررسی قرار گرفتند و با استفاده از «دستورالعمل کدگذاری» که متغیرها و رده‌های آن را شامل می‌شود معیارها و ویژگی‌های مطرح شده در هر برنامه بر طبق دستورالعمل کدگذاری شده و داده‌های بدست آمده از طریق برنامه **SPSS** مورد تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش ۵ متغیر دارای دو رده و ۹ متغیر دارای چهار رده یا بیشتر هستند. برای ارزیابی اعتبار پرسش‌نامه تحلیل محتوا، از روش اعتبار صوری استفاده شده است. بدین ترتیب که توسط برخی از صاحب‌نظران سبک تحلیل محتوا بررسی شده است و مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین، نقص‌های پرسش‌نامه اصلی برطرف شده و در موارد لزوم، تعاریف عملیاتی تحقیق برای مرحله اصلی تحلیل محتوا دقیق‌تر شده است. همچنین برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری از فرمول اسکات بهره گرفته شد.

روش استفاده از این فرمول جهت محاسبه ضریب پایایی متغیرها بدین صورت بود که متغیرهای تحقیق در خصوص مهارت‌های زندگی به همراه تعاریف عملیاتی و رده‌بندی مقوله‌ها به پژوهشگر دیگری داده شد و کدگذار دوم بعد از بررسی آن ۲۰ درصد از آیتم‌ها را انتخاب کرد

$$\tau = \frac{po - pE}{1 - pE}$$

و ۱۰۰ آیتم مجدداً کدگذاری شد، که از طریق فرمول ضریب پایایی τ ، ضریب پایایی متغیرهای انتخاب شده (به ترتیب آموزش مهارت‌های زندگی، انواع مهارت‌های زندگی، نحوه ارائه مهارت‌های ارتباطی، نحوه ارائه انواع مهارت ارتباطی در برنامه، آموزش مهارت همدلی در برنامه، نحوه آموزش مهارت‌های بین فردی، مهارت مقابله با هیجانات، مهارت‌های مقابله با هیجانات، انتقال مهارت‌های زندگی در قالب گویش و فرهنگ بومی، چه مهارت‌هایی در قالب گویش بومی و محلی ارائه شده است، مهارت حل مسئله، مهارت مقابله با استرس، نحوه مخاطب واقع شدن کودکان، آیتم‌های برنامه) به ترتیب مقابل (0.99, 0.99, 0.91, 0.89, 0.96, 0.97, 0.95, 0.98, 0.99) بدست آمد. در این پژوهش، پس از کدگذاری مقوله‌ها و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و ثبت آنها، در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. مهمترین آماره و تکنیکی که در این پژوهش برای تحلیل آن استفاده شد، آزمون کای اسکوتر (X^2) یا خی دو می‌باشد. کای اسکوتر (خی دو) از جمله آماره‌های ناپارامتریک است که اغلب هنگامی که متغیر وابسته و متغیر مستقل هر دو در سطح اسمی هستند مورد استفاده واقع می‌شود. این آزمون، آزمون استقلال متغیرهاست و فرض صفر (H_0) آن وجود استقلال متغیر است (دواس، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳).

متغیرها و رده‌های تحقیق:

جدول شماره ۱- متغیرهای تحقیق، زیرمقوله‌ها و واحد تحلیل

ردیف	متغیرهای تحلیل (مقوله‌ها)	زیرمقوله‌ها (رده‌ها)	واحد تحلیل
۱	آموزش مهارت‌های زندگی	۱- دارد ۲- ندارد	آیتم
۲	انواع مهارت‌های زندگی	۱- خودآگاهی ۲- مهارت ارتباطی ۳- همدلی ۴- مهارت بین فردی ۵- مهارت حل مسئله ۶- مهارت تفکر خلاق ۷- مقابله با هیجانات ۸- تصمیم‌گیری ۹- مهارت تفکر انتقادی ۱۰- مقابله با استرس	آیتم

آیتم	۱- کلامی ۲- غیر کلامی	نحوه ارائه مهارت‌های ارتباطی	۳
آیتم	۱- ابراز وجود کردن ۲- مذاکره ۳- امتناع ۴- غلبه بر خجالت ۵- گوش دادن	موضوع انواع مهارت ارتباطی در برنامه	۴
آیتم	۱- علاقه داشتن به دیگران ۲- تحمل افراد مختلف ۳- دوست‌داشتنی‌تر شدن (دوستیابی) ۴- احترام قائل شدن برای دیگران	آموزش موضوعات مهارت همدلی در برنامه	۵
آیتم	۱- همکاری و مشارکت ۲- تشخیص مرزهای بین فردی ۳- دوستیابی ۴- شروع و خاتمه ارتباط با دیگران	آموزش موضوعات مهارت‌های بین فردی	۶
آیتم	۱- دارد ۲- ندارد	مهارت مقابله با هیجانات	۷
آیتم	۱- شناخت هیجانات خود و دیگران ۲- ارتباط هیجان با احساس، رفتار و تفکر ۳- نحوه برخورد با ناکامی، خشم، بی‌حوصلگی، ترس و اضطراب ۴- نحوه برخورد با هیجانات شدید دیگران	آموزش موضوعات مهارت مقابله با هیجانات	۸

آیتم	۱- دارد ۲- ندارد	انتقال مهارت‌های زندگی در قالب گویش و فرهنگ بومی	۹
آیتم	۱- مسئولیت پذیری ۲- ابراز وجود ۳- مقابله و برخورد با مشکلات ۴- تنظیم وقت ۵- درخواست کمک غلبه بر خجالت و کمرویی	چه مهارت‌هایی در قالب گویش بومی و محلی ارائه شده است	۱۰
آیتم	۱- تشخیص مشکلات ۲- درخواست کمک ۳- مصالحه (برای حل تعارض و تنش)	آموزش موضوعات مهارت حل مسئله	۱۱
آیتم	۱- مقابله با موقعیت‌هایی که قابل تغییر نیستند ۲- توانایی برخورد با موقعیت‌های دشوار (فقدان / انتقاد) ۳- آرام ماندن در شرایط فشار ۴- تنظیم وقت	آموزش موضوعات مهارت مقابله با استرس	۱۲
آیتم	۱- مستقیم (حضور در استودیو) ۲- غیرمستقیم (پیامک)	نحوه مخاطب واقع شدن کودکان	۱۳
	۱- مجری- بازیگر ۲- بازیگر ۳- عروسک	آیتم‌های برنامه	۱۴

آیتم	۴- کودکان		
	۵- ترکیبی از چند مورد		
	۶- هیچکدام		

سوالات تحقیق

- ۱- پرداختن به آموزش مهارت‌های زندگی در برنامه «قطار شادی» چگونه است؟
- ۲- موضوعات محوری آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان در برنامه «قطار شادی» چگونه است؟
- ۳- آیتم‌های برنامه در مورد آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان در برنامه «قطار شادی» چگونه است؟
- ۴- قالب ارائه موضوعات مهارت‌های زندگی به کودکان در برنامه «قطار شادی» چگونه است؟
- ۵- نحوه مشارکت و تعامل کودکان در ارتباط با یادگیری مهارت‌های زندگی در برنامه «قطار شادی» چگونه است؟
- ۶- آیا رابطه‌ای بین نحوه «آموزش مهارت‌های ارتباطی به کودکان» و «انواع مهارت‌های ارتباطی مطرح شده» در برنامه کودک «قطار شادی» وجود دارد.
- ۷- آیا رابطه‌ای بین «آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان» و «استفاده از گویش و فرهنگ بومی» در برنامه کودک «قطار شادی» در برنامه کودک «قطار شادی» وجود دارد.
- ۸- آیا رابطه‌ای بین نتایج آزمون‌های دو بین «موضوعات مهارت حل مسئله» و «نحوه آموزش مهارت حل مسئله» در برنامه کودک قطار شادی در برنامه کودک «قطار شادی» وجود دارد.
- ۹- آیا رابطه‌ای بین «آموزش مهارت‌های مقابله با هیجانات» و «نحوه آموزش این مهارت‌ها» در برنامه کودک قطار شادی وجود دارد.

توصیف و تحلیل یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۲ - توزیع درصد فراوانی بر حسب وجود آموزش مهارت‌های زندگی در برنامه کودک قطار شادی

آموزش مهارت‌های زندگی	فراوانی	درصد
دارد	۸۰۱	۸۰/۱
ندارد	۳۲	۳/۲
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۳) نشان می‌دهد از کل آیتم‌های بررسی شده، حدود ۸۰/۱ درصد آیتم‌ها با بیشترین نسبت در مورد آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان است و ۳/۲ درصد برنامه فاقد آموزش مهارت‌های

زندگی به کودکان می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حدود ۸۰ درصد برنامه کودک «قطار شادی» دربرگیرنده آموزش مهارت‌های زندگی در قالب موضوعات مختلف است.

جدول شماره ۳ - توزیع درصد فراوانی بر حسب موضوعات مهارت‌های زندگی در برنامه قطار شادی

نکات آموزشی	فراوانی	درصد
خودآگاهی	۶	۰/۷
مهارت ارتباطی	۲۷۰	۳۲/۴
همدلی	۹۱	۱۰/۹
مهارت بین فردی	۸۵	۱۰/۲
مهارت حل مسئله	۷	۰/۸
مهارت تفکر خلاق	۶۲	۷/۶
مهارت مقابله با هیجانات	۲۰۵	۲۴/۶
مهارت تصمیم‌گیری	۲۲	۲/۶
مهارت تفکر انتقادی	۷۵	۹
مهارت مقابله با استرس	۱۰	۱/۲
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۳) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، ۳۲/۴ درصد پیام‌ها با بیشترین نسبت در مورد انواع مهارت‌های ارتباطی و ۲۴/۶ درصد نیز نحوه مقابله با هیجانات مثل خشم، عصبانی شدن، غمگین بودن، خندیدن و شاد بودن و غیره به کودکان آموزش داده می‌شود. در ادامه ۰/۸ درصد با کمترین نسبت به موضوع مهارت حل مسئله پرداخته شده است. در این بین ۷ درصد به مهارت خودآگاهی و اطلاع داشتن از نیازهای فردی، ۱۰/۹ درصد در مورد مهارت همدلی، ۱۰/۲ درصد در مورد مهارت‌های بین فردی می‌پردازد. ۷/۶ درصد در مورد مهارت تفکر خلاق، ۲/۶ درصد در مورد نحوه تصمیم‌گیری در لحظات مهم و حساس زندگی، و ۹/۰ درصد از برنامه در مورد تفکر انتقادی و ۱/۲ درصد با کمترین نسبت در برنامه به موضوعاتی حول محور مقابله با استرس پرداخته شده است.

جدول شماره ۴ - توزیع درصد فراوانی بر حسب نحوه ارائه مهارت‌های ارتباطی در برنامه

نحوه ارائه مهارت‌های ارتباطی	فراوانی	درصد
کلامی	۷۲۰	۷۲
غیر کلامی	۸۳	۸/۳
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۴) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، ۷۲ درصد از آیت‌های برنامه «قطار شادی» مهارت‌های ارتباطی را به صورت کلامی و ۸/۳ درصد با کمترین نسبت از آیت‌های برنامه، مهارت‌های ارتباطی را به صورت غیرکلامی یعنی به صورت غیرمستقیم و به صورت نمادها و نشانه‌ها و پانتومیم به کودکان آموزش می‌دهد.

جدول شماره ۵ - توزیع درصد فراوانی بر حسب انواع مهارت‌های ارتباطی در برنامه کودک قطار شادی

انواع مهارت‌های ارتباطی	فراوانی	درصد
ابراز وجود	۷۱۴	۸۵/۷
غلبه بر خجالت	۳۶	۴/۳۲
گوش دادن	۵۶	۶/۷
مذاکره و گفتگو	۴	۰/۵
امتناع	۲۳	۲/۸
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۵) نشان می‌دهد ۸۵/۷ درصد با بیشترین نسبت از میان موضوعات مهارت‌های ارتباطی، به مهارت «ابراز وجود» پرداخته است و ۰/۵ درصد با کمترین نسبت به مهارت ارتباطی «مذاکره و گفتگو» می‌پردازد. در این بین ۴/۳ درصد به مهارت ارتباطی «غلبه بر خجالت و کمرویی» در بین کودکان و ۶/۷ درصد به مهارت ارتباطی «گوش دادن» و ۲/۸ درصد به مهارت ارتباطی «امتناع» یعنی خودداری از گفتار و عمل کردن در شرایط مخاطره‌آمیز می‌پردازد. به طوری که می‌توان نتیجه گرفت برنامه کودک «قطار شادی» از میان مهارت‌های ارتباطی به موضوعات «ابراز وجود کردن» در جمع بیشتر از سایر موارد پرداخته است.

جدول شماره ۶- توزیع درصد فراوانی بر حسب ارائه کدام مهارت ها در قالب گویش بومی و محلی

کدام مهارت‌های زندگی در قالب گویش بومی	فراوانی	درصد
غلبه بر خجالت و کمرویی	۴۱	۴/۹
ابراز وجود	۳۰	۳/۶
مقابله و برخورد با مشکلات	۱	۰/۱
نحوه تصمیم گیری	۵	۰/۶
مسئولیت پذیری	۳۸۱	۴۵/۷
درخواست کمک از دیگران	۳۴۵	۴۱/۴
تنظیم وقت	۳۰	۳/۶
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۶) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، ۴۵/۷ درصد با بیشترین نسبت با استفاده از گویش بومی برای آموزش مهارت «مسئولیت پذیری» به کودکان در برنامه وجود دارد در این بین ۴۱/۴ درصد نیز با استفاده از لباس محلی برای بیان مهارت ارتباطی «نحوه درخواست کمک از دیگران» در برنامه وجود دارد. در ادامه باید گفت ۳/۶ درصد مهارت «تنظیم وقت»، ۴/۹ درصد مهارت «نحوه غلبه بر خجالت و کمرویی»، ۳/۶ درصد «نحوه ابراز وجود در میان جمع دوستان و خانواده» بوده است که با استفاده از گویش بومی، لباس محلی و نیز افراد بومی به کودکان در برنامه قطار شادی آموزش داده شده است.

جدول شماره ۷- توزیع درصد فراوانی بر حسب انتقال مهارت های زندگی در قالب گویش و فرهنگ بومی

انتقال مهارت‌های زندگی در قالب گویش و فرهنگ بومی	فراوانی	درصد
دارد	۷۷۰	۹۲/۴
ندارد	۶۳	۷/۶
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۷) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، ۹۲ درصد با بیشترین نسبت، در برنامه انتقال مهارت های زندگی با استفاده از گویش و فرهنگ بومی بوده است که این نشان دهنده این نکته است که در برنامه «قطار شادی» آموزش مهارت های زندگی به کودکان را در قالب گویش و فرهنگ بومی انجام داده است که علاوه بر آموزش مهارت های زندگی به کودکان به آموزش فرهنگ و گویش بومی این استان به کودکان نیز بپردازد که این نکته می تواند از اهداف اصلی تولیدات شبکه استانی باشد.

جدول شماره ۸ - توزیع درصد فراوانی بر حسب آموزش موضوعات مهارت حل مسئله به کودکان

موضوعات مهارت حل مسئله	فراوانی	درصد
تشخیص مشکلات	۶۰۸	۷۳
درخواست کمک	۱۲۵	۱۵
مصالحه (حل تعارض و کشمکش و دعوا)	۱۰۰	۱۲
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۸) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، ۷۳ درصد آیت‌ها با بیشترین نسبت به موضوع مهارت حل مسئله در خصوص «نحوه تشخیص مشکلات و برخورد با مشکلات» را به کودکان آموزش می‌دهد. در ادامه ۱۵ درصد نیز به مهارت «نحوه درخواست از دیگران» و ۱۲ درصد به مهارت «نحوه مصالحه در موقعیت دعوا و درگیری و کشمکش» که جزء مهارت‌های حل مسئله است اختصاص یافته است. به نظر می‌رسد که در برنامه مذکور به مهارت «تشخیص مشکلات و راه غلبه بر آن» به کودکان به خوبی پرداخته شده است.

جدول شماره ۹ - توزیع درصد فراوانی بر حسب نحوه پرداختن به موضوعات مهارت همدلی

نحوه پرداختن به مهارت همدلی	فراوانی	درصد
شروع و خاتمه ارتباط با دیگران	۱۱۵	۱۳/۸
دوست داشتنی تر شدن (دوستیابی)	۳۷۳	۴۴/۸
علاقه داشتن به دیگران	۲۷۴	۳۲/۹
تحمل افراد در شرایط مختلف	۶۴	۷/۷
ترکیبی از چند مورد	۷	۰/۸
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۹) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، حدود ۴۴/۸ درصد برنامه با بیشترین نسبت از میان موضوعات مهارت همدلی به موضوع «دوستیابی و نحوه دوست داشتنی تر شدن» را به کودکان آموزش می‌دهد و ۳۲/۹ درصد از میان موضوعات مهارت‌های همدلی به موضوع «نحوه ابراز علاقه به دیگران» و نیز محبت و علاقه دیگران را دریافت کردن می‌پردازد. در ادامه نیز ۱۳/۸ درصد به موضوع «نحوه شروع و خاتمه ارتباط با دیگران» مانند گروه‌های همسال و نیز افراد خانواده می‌پردازد. همچنین ۷/۷ درصد به موضوع «نحوه تحمل افراد در شرایط مختلف و گوناگون» را حول محور موضوعات مختلف «مهارت همدلی» به کودکان آموزش می‌دهد و در نهایت نیز ۰/۸ درصد نیز ترکیبی از چند مورد را در یک آیت، در مورد موضوعات مهارت همدلی به کودکان آموزش و نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۱۰ - توزیع درصد فراوانی بر حسب وجود مهارت مقابله با هیجانات در برنامه

مهارت مقابله با هیجانات در برنامه	فراوانی	درصد
دارد	۷۲۰	۷۲
ندارد	۸۳	۸/۳
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۱۰) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، ۷۲ درصد از آیت‌های برنامه قطار شادی مهارت مقابله و برخورد با هیجانات مثبت مثل شادی کردن، خندیدن، بازی کردن، ابراز محبت کردن و هیجانات منفی مثل قهر کردن، خشم، نفرت، عصبانیت و ... را به کودکان آموزش می‌دهد.

جدول شماره ۱۱ - توزیع درصد فراوانی بر حسب پرداختن به موضوعات مهارت مقابله با هیجانات

پرداختن به مهارت های مقابله با هیجانات	فراوانی	درصد
شناخت هیجانات خود و دیگران	۱۱۸	۱۴/۱
ارتباط هیجان با احساس، رفتار و گفتار	۱۱۶	۱۴
نحوه برخورد با ناکامی، خشم، بی‌حوصلگی، ترس و اضطراب	۴۹۳	۵۹/۲
برخورد با هیجانات شدید دیگران	۱۰۶	۱۲/۷
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۱۱) نشان می‌دهد از کل برنامه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته است در مورد موضوعات مرتبط با مهارت نحوه مقابله و برخورد با هیجانات ۵۹/۲ درصد از آیت‌های برنامه در مورد «نحوه برخورد با ناکامی، خشم، ترس، اضطراب و بی‌حوصلگی» است، ۱۲/۷ درصد در مورد «نحوه برخورد با هیجانات شدید و رفتارهای نامناسب دیگران»، ۱۴ درصد نیز در مورد موضوع مربوط به مهارت «شناخت هیجانات و احساسات دیگران و بروز این هیجانان در رفتار، گفتار و احساسات خود و دیگران» است که در برنامه قطار شادی به آن پرداخته شده است.

جدول شماره ۱۲ - توزیع درصد فراوانی بر حسب نحوه پرداختن به موضوعات مهارت مقابله با استرس

مهارت مقابله با استرس	فراوانی	درصد
مقابله با موقعیت هایی که قابل تغییر نیستند	۹۲	۱۱
توانایی برخورد با انتقاد	۳۶۷	۴۴/۲
آرام ماندن در شرایط فشار	۱۵۴	۱۸/۴
تنظیم وقت	۲۲۰	۲۶/۴
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۱۲) نشان می‌دهد از کل برنامه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته است در مورد آموزش مهارت مقابله با استرس ۴۴/۲ درصد به موضوع «توانایی برخورد با انتقاد» و ۲۶/۴ درصد از مهارت های مقابله با استرس به موضوع «تنظیم وقت» (مثل به موقع خوابیدن در شب و به موقع بیدار شدن در صبح برای رفتن به مدرسه)، ۱۸/۴ درصد در مورد موضوع «آرام ماندن در شرایط فشار و سختی ها» را به کودکان آموزش می‌دهد و در نهایت ۱۱ درصد نیز به موضوع «نحوه مقابله و برخورد با موقعیت های که قابل تغییر» نیستند در برنامه به کودکان آموزش داده می‌شود.

جدول شماره ۱۳ - توزیع درصد فراوانی بر حسب آیتم‌های برنامه در ارائه مهارت های زندگی به کودکان

آیتم های برنامه	فراوانی	درصد
از طریق مجری- بازیگر	۴۶۳	۵۵/۶
از طریق عروسک	۳۳۶	۴۰/۳
از طریق نمایش	۲۶	۳/۱۲
از طریق مشارکت کودکان	۸	۰/۹
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۱۳) نشان می‌دهد از کل آیتم‌های بررسی شده، ۵۶ درصد با بیشترین نسبت پیام از طریق «مجری- بازیگر» و ۴۰ درصد توسط «عروسک‌ها» به کودکان آموزش داده می‌شود. و ۹ درصد با کمترین نسبت آیتم‌های برنامه توسط «کودکان» و از زبان آنها به مخاطب آموزش داده می‌شود. در این بین تقریباً ۳ درصد پیام های آموزشی از طریق «نمایش» به کودکان آموخته می‌شود.

جدول شماره ۱۴- توزیع درصد فراوانی بر حسب نحوه تعامل و مشارکت کودکان با برنامه

نحوه مشارکت کودکان	فراوانی	درصد
حضور فیزیکی	۵۹۷	۷۱/۶
حضور فعال	۱۴۷	۱۷/۶
حضور غیر فیزیکی	۸۹	۱۰/۶
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۱۴) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، ۷۱/۶ درصد با بیشترین نسبت کودکان در فضای استودیو حضور دارند و اجرای برنامه و آموزش مهارت‌های زندگی را به طور محسوس و عینی تماشا می‌کنند و یاد می‌گیرند و ۱۰/۶ درصد با کمترین نسبت برنامه را به طور غیر حضوری و در منازل از طریق تلویزیون تماشا می‌کنند و نظراتشان را در مورد برنامه به صورت پیامک می‌فرستند در این بین ۱۷/۶ درصد کودکان هم در اجرای موضوعات برنامه در کنار مجری- بازیگر و عروسک حضور دارند و حتی در برخی موارد نقش کوچکی را هم ایفا می‌کنند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر کودکان در برنامه حضور فیزیکی دارند و اجرای برنامه را از نزدیک تماشا می‌کنند. و آن دسته از کودکانی که در منزل و از طریق گیرنده‌ها برنامه‌ها را تماشا می‌کنند نظرات و دیدگاه‌های خود را از طریق پیامک به برنامه انتقال می‌دهند بنابراین یک ارتباط دوسویه ای در برنامه وجود دارد.

جدول شماره ۱۵- توزیع درصد فراوانی بر حسب قالب پرداختن به آموزش مهارت های زندگی

قالب ارائه برنامه	فراوانی	درصد
نمایش	۲۵۰	۳۰
شعر و موسیقی	۱۲۵	۱۵
مسابقه	۶۶	۷/۹
گزارش	۲۴	۲/۸
گفتگو	۳۳	۳/۹
وله یا نماهنگ	۳۴	۴
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۱۵) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، ۳۰ درصد برنامه در قالب نمایش و ۱۵ درصد برنامه در قالب شعر و موسیقی به کودکان ارائه می‌شود. در این بین ۷/۹ درصد آیت‌ها در قالب مسابقه و ۲/۸ درصد در قالب گزارش پیام‌های آموزشی

را به کودکان انتقال و آموزش می‌دهند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نحوه انتقال و ارائه پیام در برنامه «قطار شادی» در قالب نمایش و شعر و موسیقی و در فضایی بسیار شاد و موزیکال و نمایشی صورت می‌گیرد.

جدول شماره ۱۶- توزیع درصد فراوانی بر حسب چگونگی انتقال پیام‌های نمایشی به کودکان

پیام‌های نمایشی	فراوانی	درصد
مستقیم (استودیو)	۵۵۴	۶۶/۵
غیر مستقیم (گیرنده)	۲۷۹	۳۳/۵
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۱۶) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، ۶۶/۵ درصد با بیشترین نسبت پیام‌های آموزشی قطار شادی را با حضور در استودیو و به طور مستقیم دریافت می‌کنند و ۳۳/۵ درصد از کودکان پیام‌های آموزشی برنامه را از طریق تماشای تلویزیون و به طور غیرمستقیم دریافت می‌کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کودکان به طور مستقیم در معرض پیام‌های آموزشی قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۱۷- توزیع درصد فراوانی بر حسب افرادی که مهارت‌های زندگی را به کودکان آموزش می‌دهند

افراد آموزش‌دهنده	فراوانی	درصد
مجری- بازیگر	۳۷۳	۴۴/۸
عروسک	۱۱۵	۱۳/۸
بازیگر	۲۷۴	۳۲/۹
کودکان	۷	۰/۸
ترکیبی از چند مورد	۶۴	۷/۷
جمع	۸۳۳	۱۰۰

همانطور که نتایج جدول (شماره ۱۷) نشان می‌دهد از کل آیت‌های بررسی شده، حدود ۴۴/۸ درصد با بیشترین نسبت توسط مجری-بازیگر ارائه می‌شود و ۰/۸ درصد با کمترین نسبت آیت‌ها توسط خود کودکان اجرا می‌شود. در این بین ۱۳/۸ درصد آیت‌ها توسط عروسک، ۳۲/۹ درصد توسط بازیگر و ۷/۷ درصد آیت‌ها ترکیبی از اجرای چند نفر می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های زندگی در برنامه «قطار شادی» بیشتر توسط مجری-بازیگر و بازیگر به کودکان ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱۸ - نتایج آزمون خی دو بین «نحوه آموزش مهارت های ارتباطی به کودکان» و «انواع مهارت های ارتباطی مطرح شده» در برنامه کودک «قطار شادی»

انواع مهارت ارتباطی در برنامه		ابراز وجود کردن		مذاکره و گفتگو		امتناع		غلبه بر خجالت و کمرویی		گوش دادن		جمع	
مهارت های ارتباطی	نحوه آموزش	فرد	گروه	فرد	گروه	فرد	گروه	فرد	گروه	فرد	گروه	فرد	گروه
غیر کلامی		۱۹۷	۲۷/۶	۷	۱۹/۴	۱۷	۳۰/۴	-	-	۱۵	۶۵/۲	۲۳۶	۲۸/۳
کلامی		۵۱۷	۷۲/۴	۲۹	۸۰/۶	۳۹	۶۹/۶	۴	۱۰۰	۸	۳۴/۸	۵۹۷	۷۱/۷
جمع		۷۱۴	۱۰۰	۳۶	۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۴	۱۰۰	۲۳	۱۰۰	۸۳۳	۱۰۰

$$x^2 = ۱۸/۶۹$$

$$df = ۴$$

$$sig = ۰/۰۰۱$$

نتایج جدول (شماره ۱۸) نشان می دهد بین نحوه آموزش انواع مهارت های ارتباطی به کودکان و آموزش مهارت های ارتباطی به صورت کلامی و غیر کلامی تفاوت معنی داری وجود دارد، به طوری که می توان گفت از میان انواع مهارت های ارتباطی در برنامه، مهارت های ارتباطی مذاکره و گفتگو، ابراز وجود کردن، امتناع از عمل به کاری که مورد پسند نیست بیشتر به صورت کلامی و در گفتار مجری - بازیگر به کودکان آموزش داده شده است و مهارت ارتباطی نحوه گوش دادن در برنامه بیشتر به صورت غیر کلامی و از طریق تصاویر و پانتومیم به کودکان آموزش داده شده است.

بر اساس آزمون خی دو و با در نظر گرفتن $Sig = ۰/۰۰۱$ ، $df = ۴$ و $x^2 = ۱۸/۶۹$ و ۵ درصد خطا و ۹۵ درصد اطمینان می توان نتیجه گرفت که اکثر مهارت های ارتباطی در برنامه به صورت کلامی و در بیان مجری و عروسک ها به کودکان با احتمال یک درصد خطا و با ۹۹ درصد اطمینان به طور کلامی آموزش داده شده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت های ارتباطی در برنامه کودک شبکه استانی به طور کلامی می تواند تاثیرات آموزشی برنامه را در خصوص آموزش مهارت های ارتباطی کودکان بالا ببرد.

جدول شماره ۱۹ - نتایج آزمون خی دو بین «آموزش مهارت های زندگی به کودکان» و «استفاده از گویش و فرهنگ بومی» در برنامه کودک «قطار شادی»

استفاده از گویش و فرهنگ بومی آموزش مهارت های زندگی		دارد		ندارد		جمع	
		مرد	زنان	مرد	زنان	مرد	زنان
مسئولیت پذیری		۴۴۸	۸۸/۱	۲۲۶	۸۱	۷۱۴	۸۵/۷
ابراز وجود		۱۹	۶/۸	۱۷	۳/۱	۳۶	۳/۴
برخورد با مشکلات		۱۹	۶/۸	۳۷	۶/۷	۵۶	۶/۷
درخواست کمک		-	-	۴	۰/۷	۴	۰/۵
غلبه بر کمرویی		۱۵	۵/۴	۸	۱/۴	۲۳	۲/۸
جمع		۲۷۹	۱۰۰	۵۵۴	۱۰۰	۸۳۳	۱۰۰

$$\chi^2 = ۱۹/۵۰$$

$$df = ۴$$

$$sig = ۰/۰۰۱$$

نتایج جدول (شماره ۱۹) نشان می دهد که بین آموزش موضوعات مهارت های زندگی به کودکان و استفاده از گویش و فرهنگ بومی رابطه معنی داری وجود دارد، به طوری که می توان گفت از میان مهارت های مختلف مطرح شده برنامه قطار شادی مهارت های مسئولیت پذیری، ابراز وجود، نحوه برخورد با مشکلات، درخواست کمک و غلبه بر خجالت و کمرویی از طریق گویش بومی و با استفاده از فرهنگ محلی همدان به کودکان آموزش داده شده است.

بر اساس آزمون خی دو و با در نظر گرفتن $Sig = ۰/۰۰۰$ ، $df = ۴$ و $\chi^2 = ۱۹/۵۰$ و با در نظر گرفتن ۱ درصد خطا و با ۹۹ درصد اطمینان می توان نتیجه گرفت که در برنامه قطار شادی از گویش و فرهنگ بومی برای آموزش مهارت های زندگی به کودکان استفاده گردیده است که این امر می تواند نقطه قوتی برای برنامه مذکور محسوب شود.

جدول شماره ۲۰- نتایج آزمون خی دو بین «موضوعات مهارت حل مسئله» و «نحوه آموزش مهارت حل مسئله» در برنامه کودک قطار شادی

نحوه آموزش مهارت حل مسئله		کلامی		غیر کلامی		جمع	
		موضوعات مهارت	حل مسئله	موضوعات مهارت	حل مسئله	موضوعات مهارت	حل مسئله
تشخیص مشکلات	۲۰۹	۸۸/۶	۱۸	۷/۶	۶۰۸	۷۳	
درخواست کمک	۳۹۹	۶۶/۸	۹	۳/۸	۱۲۵	۱۵	
مصالحه (برای حل تعارض و تنش)	۱۰۷	۱۷/۹	۹۱	۱۵/۲	۱۰۰	۱۲	
جمع	۲۳۶	۱۰۰	۵۹۷	۱۰۰	۸۳۳	۱۰۰	

$$\chi^2 = 41/29$$

$$df = 2$$

$$sig = 0/000$$

نتایج جدول (شماره ۲۰) نشان می‌دهد که بین موضوعات مختلف مهارت حل مسئله و نحوه آموزش مهارت حل مسئله در برنامه به کودکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد به طوری که می‌توان گفت در آموزش مهارت‌های حل مسئله در زندگی به کودکان، موضوعاتی مانند نحوه حل کشمکش و دعوا، با ۱۷/۹ درصد، درخواست کمک از دیگران با ۶۶/۸ درصد و حل مشکلات با ۸۸/۶ درصد به صورت کلامی به کودکان آموزش داده می‌شود. بر اساس آزمون خی دو و با در نظر گرفتن $\chi^2 = 41/29$ و $df = 2$ ، $Sig = 0/000$ با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین آموزش مهارت حل مسئله در زندگی و نحوه آموزش آن به کودکان تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. به طوری که می‌توان گفت در برنامه قطار شادی مهارت حل مسئله در زندگی به کودکان به صورت کلامی آموزش داده می‌شود.

جدول شماره ۲۱- نتایج آزمون خی دو بین «آموزش مهارت‌های مقابله با هیجانات» و «نحوه آموزش این مهارت‌ها» در برنامه کودک قطار شادی

نحوه آموزش مهارت مقابله با هیجان		کلامی		غیر کلامی		جمع	
مهارت‌های مقابله با هیجانات		خی دو	فرد	خی دو	فرد	خی دو	فرد
شناخت هیجانات خود و دیگران	۳۸۹	۷۹/۴	۲۱۹	۶۳/۸	۶۰۸	۷۳	
نحوه برخورد با ناکامی، خشم، بی‌حوصلگی، ترس و اضطراب	۲۹	۵/۹	۹۶	۲۸	۱۲۵	۱۵	
نحوه برخورد با هیجانات شدید دیگران	۷۲	۱۴/۷	۲۸	۸/۲	۱۰۰	۱۲	
جمع	۴۹۰	۱۰۰	۳۴۳	۱۰۰	۸۳۳	۱۰۰	

$$\chi^2 = ۷۹/۳۳$$

$$df = ۲$$

$$sig = ۰/۰۰۰$$

نتایج جدول (شماره ۲۱) نشان می‌دهد که بین آموزش مهارت‌های مقابله با هیجانات و نحوه آموزش این مهارت‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد. به طوری که می‌توان گفت از میان موضوعات مختلف مهارت مقابله با هیجانات، موضوع «نحوه شناخت هیجانات خود و دیگران» با ۷۹/۴ درصد بیش از سایر موضوعات مرتبط با مهارت مقابله با هیجانات به صورت کلامی به کودکان آموزش داده شده است.

بر اساس آزمون خی دو و با در نظر گرفتن $Sig = ۰/۰۰۰$ ، $df = ۲$ و $\chi^2 = ۷۹/۳۳$ و با در نظر گرفتن ۱ درصد خطا و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین آموزش مهارت‌های مقابله با هیجانات و نحوه آموزش این مهارت‌ها به صورت کلامی و غیرکلامی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

به طوری که می‌توان گفت از میان موضوعات مختلف مهارت مقابله با هیجانات، موضوع «نحوه شناخت هیجانات خود و دیگران» بیش از سایر موضوعات به صورت کلامی و مستقیم به کودکان آموزش داده شده است.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی محتوایی برنامه کودک شبکه استانی «قطار شادی» در جهت آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و با استفاده از نظریه شناخت اجتماعی «آلبرت بندورا» مبتنی بر یادگیری مشاهده‌ای انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد حدود ۸۰ درصد برنامه کودک «قطار شادی» دربرگیرنده آموزش مهارت‌های زندگی در قالب موضوعات مختلف است. این برنامه با هدف آموزشی و تفریحی و دارای رویکرد آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان است و از میان موضوعات مختلف بیشتر به موضوعات تربیتی و اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی پرداخته است. در این برنامه بیشتر از شیوه غیرمستقیم یعنی از طریق شعر، نمایش، و بازی عروسکی پیام‌های آموزشی به کودکان ارائه می‌شود حتی در برخی از آیتم‌های برنامه از خود کودکان حاضر در استودیو برای اجرای نمایش‌های آموزشی و تربیتی برنامه کمک گرفته می‌شود تا تعامل بیشتری میان کودکان حاضر در برنامه با عوامل تولید برنامه ایجاد شود چرا که یکی از اهداف آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان مشارکت خود کودکان در ارائه پیام‌های آموزشی و تربیتی در برنامه می‌باشد.

در این برنامه از میان انواع مهارت‌های ارتباطی در برنامه، مهارت‌های ارتباطی مذاکره و گفتگو، ابراز وجود کردن، امتناع از عمل به کاری که مورد پسند نیست، بیشتر به صورت کلامی و در گفتار مجری-بازیگر به کودکان آموزش داده شده است و مهارت ارتباطی نحوه گوش دادن در برنامه بیشتر به صورت غیرکلامی و از طریق تصاویر و پانتومیم به کودکان آموزش داده شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های ارتباطی در این برنامه به طور کلامی می‌تواند تاثیرات آموزشی برنامه را درخصوص آموزش مهارت‌های ارتباطی کودکان بالا ببرد.

علاوه بر این، در برنامه قطار شادی از گویش و فرهنگ بومی برای آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان استفاده گردیده است که این امر می‌تواند نقطه قوتی برای برنامه مذکور محسوب شود. از میان مهارت‌های مختلف مطرح شده برنامه قطار شادی مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، ابراز وجود، نحوه برخورد با مشکلات، درخواست کمک و غلبه بر خجالت و کمرویی از طریق گویش بومی و با استفاده از فرهنگ محلی همدان به کودکان آموزش داده شده است.

منابع

- ادیب، محسن (۱۳۸۲). حقوق کودک در برابر رسانه‌ها. فصلنامه خانواده پژوهی، ش ۱.
- آذری، غلامرضا (۱۳۸۷). تلویزیون در کادر الگوی ارتباطی مالتسکه، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰.
- آقاجانی، م. (۱۳۸۱). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی و منبع کنترل نوجوانان شهرستان قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه الزهرا.
- آقایوسفی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۶). روان‌شناسی عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۷). رسانه‌های جمعی و تولیدات دینی برای کودکان: ارائه رویکردی ارتباطی-فرهنگی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۳، صص ۵۴-۳۷.
- باواریز، پاتریک؛ ارنبرگ، اندرو (۱۳۷۸). تلویزیون و مخاطبان آن (ترجمه مراد فرهادپور). چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
- بختیاری، محمد ناصر (۱۳۸۵). اثرات تلویزیون بر کودکان و نوجوانان. روزنامه همشهری ش ۴۵۶۸.
- پارسا، محمد (۱۳۸۳). روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها. تهران: انتشارات بعثت.
- دلور، سونی (۱۳۷۵). رشد و شخصیت کودک (ترجمه: مهشید پاشایی). تهران، نشر رشد.
- راستگو، لیلی (۱۳۸۹). تأثیر تلویزیون بر کودکان. همشهری.
- رودنبولر، اریک دبلیو (۱۳۸۷). ارتباطات آیینی (ترجمه عبدالله گیویان). تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- شرام، ویلبر. لایل، جک و بی پارکر، ادوین. (۱۳۷۷). تلویزیون در زندگی کودکان. (ترجمه: محمود حقیقت کاشانی). تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.
- شولتز، دوان پی. و شولتز، سیدنی ال (۱۳۸۹). نظریه‌های شخصیت (ترجمه: یحیی سیدمحمدی). تهران: ویرایش.
- کارشناسی ارشد، دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- کازنو، ژان (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی (ترجمه منوچهر حسینی و باقر ساروخانی)، چاپ هشتم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- کدیور، پروین (۱۳۸۵). روان‌شناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
- محمد زاده وحدتی (۱۳۸۹). رویکردهای اخلاقی در برنامه کودک: مطالعه نشانه‌شناسی فیتیله. پایان‌نامه
- مک لوهان، هربرت مارشال (۱۳۷۷). برای درک رسانه‌ها (ترجمه سعید آذری). تهران: انتشارات سروش.
- ملون مارتینز، انریک (۱۳۵۴). تلویزیون در خانواده و جامعه نو (ترجمه جمشید ارجمند). تهران: انتشارات سروش.
- منصوری، میترا (۱۳۷۹). برنامه‌سازی تلویزیونی برای کودکان و نوجوانان. مجموعه مقالات تخصصی پیرامون مسائل کودکان و نوجوانان، تهران: نشر نامیرا.

Bruner, J.(1971).The relevance of education. New York, NY: Norton & Co.

Guivian, Abdollah (2006). Religion, television and culture in Post-Revolutionary Iran, Phd diss. School of African and oriental studies, University of London.

Lesser, Gerald S. (1974). Children and Television: Lessons From Sesame Street. New York: Vintage Books.